

## جلسه دوم

### بررسی سطح منطقه‌ای دستاوردهای انقلاب اسلامی

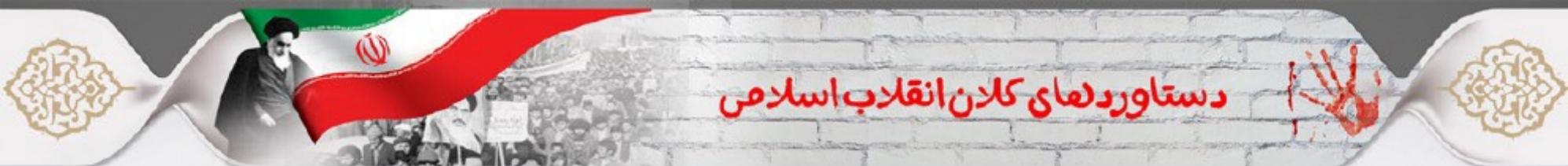
در این جلسه بحثی راجع به دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی خواهیم داشت. در جلسه قبل بیان شد که ما می‌توانیم در چهار سطح دستاوردهای انقلاب اسلامی را تبیین کنیم.

#### سطح منطقه‌ای:

انقلاب اسلامی در سطح منطقه دستاوردهای عظیمی داشت:

**بازتعریف منطقه:** منطقه‌های خاورمیانه می‌نامیدند و خاورمیانه کلمه‌ای استعماری است یعنی اروپا مرکز است و بقیه مناطق نسبت به مرکزیت اروپا سنجیده می‌شوند مثل خاورمیانه، خاور دور، خاور نزدیک، باختر و...

انقلاب اسلامی مجددًا واژه‌ی جهان اسلام را مطرح کرد که در آن مرکزیت و محوریت از لحاظ فرهنگی و جغرافیایی با جهان اسلام است، در دوران قبل از وستفالیا جهان اسلام مرکز دنیا بود بنابراین عنوان جهان اسلام با انقلاب اسلامی احیا شد و مطرح گردید و این دستاوردهای مهمی است و اخیراً در تحول علوم سیاسی دنیا را به پنج منطقه تقسیم کردیم: جهان اسلام، جهان غرب، جهان شرق، آفریقای جنوب صحراء و آمریکای لاتین یعنی کل دنیا را به پنج



منطقه بزرگ فرهنگی تقسیم کرده‌ایم و این اولین دستاوردهی بود که انقلاب اسلامی ارائه داد. در جهان اسلام نیز بعد از انقلاب اسلامی جهان تشیع مطرح شد و ایران اسلامی نیز در محوریت و مرکزیت جهان اسلام قرار گرفت و کیسینجر می‌گوید: heart land یعنی قلب جهان اسلام آن ایران اسلامی است و بعد جهان تشیع قرار دارد، در کتاب ژئو پلیتیک شیعه که فردی فرانسوی به نام فرانسوا توال می‌گوید: جهان تشیع دارای استراتژیک‌ترین موقعیت هم از لحاظ منابع زیرزمینی و هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جهان اسلام است جهان تشیع اگر چه از لحاظ نفرات ضعیفتر و کمتر هستند ولی از لحاظ موقعیت دارای موقعیت قوی‌تری هستند.

انقلاب اسلامی هم برای جهان تشیع به طور خاص و هم برای کل جهان اسلام بطور عام دستاوردهای داشت.

### دستاوردهای انقلاب اسلامی برای جهان تشیع:

انقلاب اسلامی برای جهان تشیع چهار دستورد داشت:

۱- خروج از حاشیه و ورود به مرکز: شیعیان قبل از انقلاب اسلامی به دو دلیل نقش حاشیه‌ای داشتند:

الف) تعداد نفرات آن‌ها بسیار اندک بود و تقریباً بین ۱۰ تا ۱۲ درصد جمعیت مسلمانان شیعه بودند.

ب) نظریه تقیه در جهان تشیع غالب بود. در نتیجه نقشی در سیاست جهانی نداشتند.

با انقلاب اسلامی امام هم تقیه را تحریم کرد و دیگر اینکه انقلاب اسلامی یک انقلاب شیعی بود و شیعیان این انقلاب را انجام دادند بنابراین شیعیان را مجدداً به مرکز آورد و نمونه‌های برجسته آن مقاومت و حزب الله لبنان است.

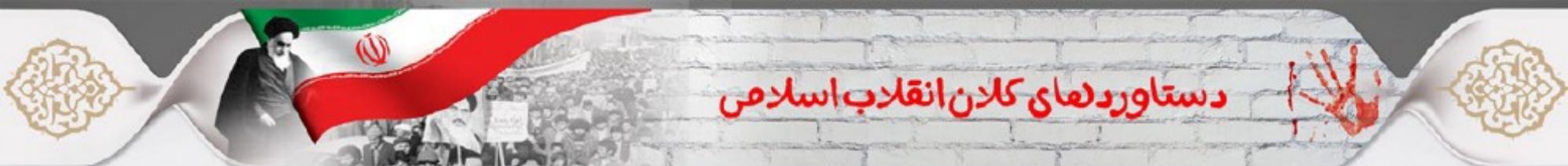


**۲- گرایش بیشتر به شیعه:** قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر افرادی که به اسلام گرایش داشتند به اسلام و هابی می‌گردیدند زیرا با میزان پولی که دار این‌ها در دنیا هزینه می‌کردند ما هیچ جایگاهی نداشتیم، اما بعد از انقلاب همه می‌خواهند بیشتر در مورد شیعه بدانند و گروه گروه وارد مکتب تشیع شده‌اند به عنوان مثال در نیجریه طلبه‌ای به نام زاک زاکی میلیون‌ها نفر را وارد مکتب شیعه نمود و لذا گرایش به شیعه فوق العاده افزایش یافت.

**۳- جهانی شدن گفتمان شیعه:** یعنی گفتمان شهادت، عدالت، جهاد، مردم‌سالاری و... جهانی شد و امروز حتی آقای اوباما هم از عدالت صحبت می‌کند و لفظ جهاد وارد ادبیات غرب شده است و این نشان دهنده جهانی شدن گفتمان شیعه است.

**۴- خروج از حالت محافظه‌کاری و دست یافتن به روحیه‌ی انقلابی:** افرادی که قبل و بعد از انقلاب به لبنان مسافرت نموده باشند می‌دانند که قبل از انقلاب شیعیان نه تنها بسیار محافظه کار و محروم بودند بلکه آن‌ها را به عنوان جاسوسی برای اسرائیل متهم می‌کردند که به همین خاطر امام موسی صدر حرکت المحرومین را برای شیعیان ایجاد کرد، اما بعد از انقلاب شیعیان تبدیل به بمب‌های آتشینی شدند که طی مدت ۲ سال پنج قدرت بزرگ جهانی را وادار به فرار از لبنان نمودند، یعنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۸۲، آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل، لبنان را اشغال نموده بودند و شیعیان با کامیون‌های مواد منفجره و عملیات استشهادی همه‌ی آن‌ها را وادار به فرار از لبنان نمودند و در سال‌های بعد نیز در نبرد سی و سه روزه و سال ۲۰۰۰ مشاهده می‌کنیم که چگونه از حزب الله شکست خوردند.

بنابراین انقلاب اسلامی دستاورد عظیمی برای جهان تشیع داشت.

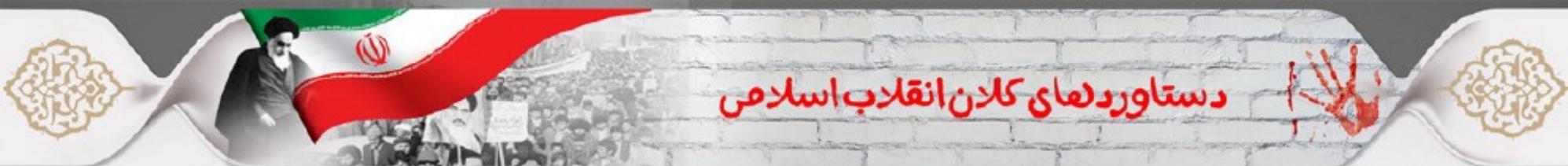


## دستاوردهای انقلاب اسلامی برای جهان اسلام:

انقلاب اسلامی برای کل جهان اسلام سه دستاوردهای عظیم داشت:

۱- بازگشت به خویشتن خویش: هم خواص و هم مردم و توده‌های مسلمان قبل از انقلاب از خود بیگانه بودند و مساجد از مسلمین خالی شده بود و همه با سرعت به سمت غرب پیش می‌رفتند و حتی اندیشمندان اسلامی مانند طاها حسین و...، سعی می‌کردند خود را با معیارهای غربی تطبیق دهند و در کشور مانیز اینگونه بود و اگر کار خوبی انجام می‌شد مثل پیاده شدن انسان در کره ماه، می‌گفتند این کار خوبی که در غرب در حال انجام است در قرآن در سوره الرحمن پیش‌بینی شده است؛ یعنی در حقیقت ما مؤید پیشرفت‌های غربی و آقایی آن‌ها بر دنیا بودیم و انقلاب اسلامی ما را به هویت خود برگرداند.

۲- ظهور نهضت‌های آزادی‌بخش: قبل از انقلاب در جهان اسلام نهضت‌های آزادی‌بخش یا ناسیونالیست بودند مانند پان عربیسم، پان ترکیسم، پان ایرانیسم و... یا سوسیالیست بودند که معیارهای کمونیستی را در پیش گرفته بودند مانند جنبش‌های سوسیالیستی بعث و... و یا لیبرال بودند، ممکن است پرسیده شود اخوان‌المسلمین در سال ۱۹۲۰ میلادی بوجود آمد و جزء هیچ یک از این گروه‌ها نبود؟ در پاسخ باید گفت که اخوانی‌ها در اساسنامه‌شان گفته که ما به دنبال آزادی‌بخشی نیستیم ما به دنبال اصلاح و نصیحت هستیم، ما آمده‌ایم که سران ممالک خود را نصیحت کنیم که مسلمان باشید و به همین دلیل نیز با حکومت‌های مختلفی که در این دوران بودند سازش کردند و به مجلس رفتند و مؤید حسنی مبارک و امثال او بودند ولی بعد از انقلاب اسلامی نهضت‌های آزادی‌بخش ایجاد شد و نهضت‌های غیر اسلامی به تاریخ سپرده شد و بایگانی گردید به عنوان مثال در سازمان آزادی‌بخش فلسطین ۱۷ نهاد نهضت آزادی‌بخش وجود داشت که بلا استثناء یا ناسیونالیست بودند و یا سوسیالیست و کمونیست بودند، حماس و جهاد اسلامی و حزب الله مولود انقلاب هستند هر سه این



نهضت‌ها بعد از انقلاب اسلامی بوجود آمدند و امروز توانسته‌اند عرصه را بر اسراییل تنگ کنند. بنابراین از این لحاظ نهضت‌های آزادی بخش اسلامی هم دستورد انقلاب اسلامی است.

**۳- بیداری اسلامی:** بیداری اسلامی که از سه سال پیش شروع شده است یکی از دستاوردهای انقلاب است، اگر چه غربی‌ها سعی می‌کنند عنوان بیداری عربی یا بهار عربی برای آن بکار ببرند اما ما دلایل زیادی بر الگوبرداری این قیام‌ها از انقلاب اسلامی ارائه خواهیم داد.

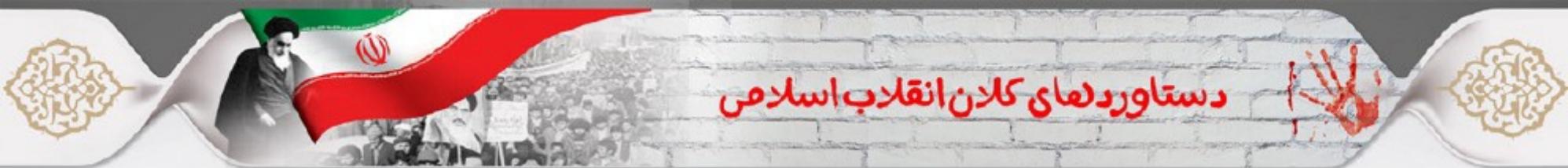
### الگوبرداری سایر کشورهای اسلامی از انقلاب اسلامی:

۱- همه این‌ها جنبش‌های توده‌ای و مردمی هستند، این‌ها انقلاب‌های طبقاتی نیستند مانند انقلاب فرانسه که انقلاب بورژوازی بود و تنها انقلاب توده‌ها انقلاب اسلامی بود و همه‌ی توده‌ها در آن نقش داشتند، و این حرکت‌ها هم حرکت‌های توده‌ای و مردمی است.

۲- نقش برجسته‌ی جوانان، در همه این جنبش‌های اسلامی از آن زمانی که آن دانشجو در تونس خود کشی کرد تا ادامه ماجرا جوانان نقش داشتند و پیرها نقشی نداشتند و حضوری نداشتند.

۳- مشارکت فعال زنان؛ انقلاب اسلامی بود که زنان را وارد صحنه سیاست و جنبش‌های آزادی بخش نمود و قبل از آن ما در غرب و در شرق و جهان اسلام شاهد چنین پدیده‌ای نبودیم.

۴- غیرمسلحانه بودن حرکت؛ انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که با دست خالی وارد صحنه شد و بدون به کار بردن سلاح توانست به نتیجه برسد و شمامی بینید که در این حرکت‌ها



کشته می‌شوند و کتک می‌خورند اما دست به اسلحه نمی‌برند؛ تنها در لیبی استثنائی بوجود آمد که به دلیل دخالت ناتو بود اگر ناتو دخالت نکرده بود آن‌ها نیز دست به اسلحه نمی‌برند.

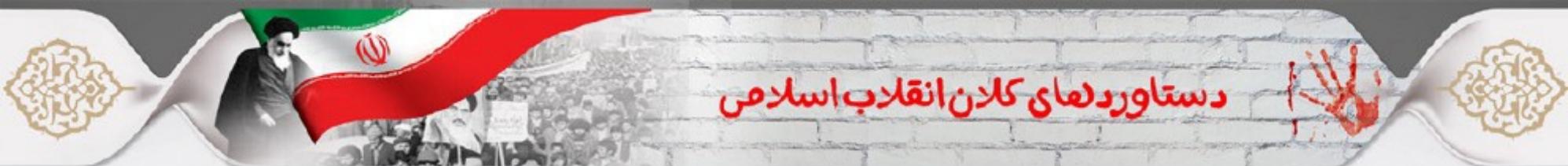
۵- برخورد برادرانه با نیروهای مسلح، امام می‌فرمود آن‌ها شما را با گلوله می‌زنند شما به آن‌ها گل بدھید آن‌ها برادران شما هستند و عین این ماجرا در این حرکتها بوجود آمد.

۶- ضدیت با نظام سلطه، همه این حرکات با نظام سلطه مقابله کردند یعنی تنها خواستار سقوط نظام نبودند بلکه رفع سلطه نظام‌های جهانی را نیز می‌خواستند و مثلاً در مصر سفارتخانه‌های آمریکا و اسرائیل اشغال شد.

۷- اتفاق نظر در سقوط نظام، شعار همه این حرکتها این بود "الشعب يُريد إسقاط النظام" و یک شعار نان، مسکن، آزادی داده نشدا آن هم در کشورهایی که در فقر هستند.

۸- بهره‌برداری از نمادهای مذهبی، همه این تظاهرات به نمازهای جمعه و جماعات ختم می‌شد و سربندهای الله اکبر، لا اله الا الله، محمد رسول الله و... و حتی یک عکس جمال عبدالناصر در همه این تظاهرات وجود نداشت در حالی که وی زمانی از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود.

۹- مقابله با هر نوع مانع فکری و مذهبی؛ برای ما تقيه مانع بود و آن را از سر راه برداشтиم، برای اهل سنت هم تعریف غلطی که از اولو الامر داشتند؛ آن‌ها معتقد بودند هر کس که حاکم است و جزء مسلمانان باشد باید از وی اطاعت کرد حتی اگر هم ظالم باشد، و ملاحظه شد که آن‌ها این مانع را برداشتند و بالنگه کفش به عکس حسنی مبارک حمله می‌کردند.



۱۰- از آخرین فناوری ارتباطات هم بهره بردن؛ انقلاب اسلامی معروف است به انقلاب کاست، و به قول بارنارد لوییس اولین انقلاب الکترونیک انقلاب ایران بود، در این انقلاب‌ها هم گفتند که این‌ها انقلاب‌های توییتری و فیسبوکی هستند.

۱۱- عدم سازش و مخالفت با سازش کار، هیچ کدام حاضر نشدند با نظام سلطه برسر یک میز بنشینند و سازش کنند چون شعارشان سقوط نظام بود.

### تفاوت‌های بیداری اسلامی با انقلاب اسلامی:

این انقلاب‌ها تنها در دو مورد با انقلاب اسلامی اختلاف داشتند:

۱- رهبری در انقلاب اسلامی فرسنگ‌ها از مردم جلوتر بود و ما در حقیقت باید بدوم تا به گرد امام برسیم امام از سال ۴۲ شروع کرد و ما ۱۵ سال به دنبال امام دویدیم، در این انقلاب‌ها رهبران فرسنگ‌ها از مردم عقب‌تر بودند و همین مسأله منجر به سقوط آن‌ها گردید و امثال اخوان المسلمين نتوانستند خواست مردم را بفهمند.

۲- ما الگویی برای انقلاب نداشتیم و الگوساز بودیم اما آن‌ها الگو داشتند، یکی از دانشجویان پرسیده است که چرا بعد از سی سال انقلاب اسلامی نتیجه داد و به این انقلاب‌ها منجر شد؟ پاسخ این سؤال را فهری هویدی می‌دهد، وی می‌گوید: ما شاهد و ناظر جنگ مستمر و دائمی شما با استکبار بودیم و دیدیم که شما در جنگ سخت پیروز شدید و تصور می‌کردیم که حتماً در جنگ نرم شکست خواهید خورد، به خصوص در فتنه ۸۸ یقین داشتیم که شما شکست خواهید خورد و انقلاب تمام خواهد شد اما وقتی

دیدیم شما در این جنگ نرم همه جانبه نیز پیروز شدید با خود گفتیم این راه درست است و ما نیز می‌توانیم و بعد از این پیروزی بود که بیداری اسلامی به عنوان یک راه درست و صحیح انقلاب شروع شد.

آنچه اهمیت دارد این است که باید بدانیم که این حرکت‌ها بیداری اسلامی بود و هست اما انقلاب نبود چون انقلاب دارای سه رکن است: رکن رهبری، رکن مردم و رکن مكتب. اما این‌ها حداقل در رکن رهبری و مكتب دارای مشکلاتی بودند، فهری هویدی می‌گفت تفاوت انقلاب ما با انقلاب شما در این است که شما هم می‌دانستید چه چیزی نمی‌خواهید و هم می‌دانستید که چه چیزی می‌خواهید - یعنی در شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، خواست ما جمهوری اسلامی بود - ولی ما در این انقلاب‌ها یمان می‌دانستیم چه چیزی نمی‌خواهیم اما واقعاً نمی‌دانستیم چه چیزی می‌خواهیم.

به این جنبش شورش می‌گویند و آن را انقلاب نمی‌دانند و در علم سیاست به عنوان شورش تلقی می‌شود و شورش معمولاً به یکی از سه تحول دیگر تبدیل می‌شود؛ الف) یا تبدیل به کودتا می‌شود که در مصر این اتفاق افتاد. ب) یا تبدیل به رفورم می‌شود که در تونس اتفاق افتاد. ج) یا تبدیل به انقلاب خواهد شد.

بنابراین انتظار و توقع نداشته باشیم که بیداری اسلامی به سرعت به پیروزی و انقلاب برسد. این مجموعه دستاوردهای است که انقلاب اسلامی برای جهان اسلام در سطح منطقه داشته است.